

جامعه معرفتی و اندیشه دینی

محمد رضا مجیدی*

محمد رضا دهسیری**

چکیده:

جامعه معرفتی از مقولات مهمی است که از منظر مختلف می‌توان به بررسی آن پرداخت. ما در این تحقیق بر آنیم به این پدیده در مغرب‌زمین و جهان اسلام اشاره کنیم. ابتدا به اصول و مبانی، شاخص‌ها و فواید جامعه معرفتی می‌پردازیم. سپس این مقولات را در اندیشه اسلامی دنبال خواهیم کرد. در پایان، وجوه اشتراک و تمایز اندیشه اسلامی و غرب درباره جامعه معرفتی را بیان خواهیم کرد. بنیادهای جامعه معرفتی در مبانی فکری اسلام وجود دارد که هدف آن چهل‌زدایی، سعادت معنوی و اخروی، توازن بین جنبه‌های مادی و معنوی انسان و اخلاق‌گرایی علمی است. ضمناً به خصوصیات جامعه معرفتی غرب نیز اشاره خواهد شد.

واژگان کلیدی: جامعه معرفتی، اندیشه دینی، اسلام، جامعه اطلاعاتی، علم، توسعه انسان‌محور، اخلاق، غرب.

* دکترای علوم سیاسی و عضو هیأت علمی دانشگاه تهران.
** دکترای علوم سیاسی و عضو هیأت علمی دانشکده روابط بین‌الملل وزارت امور خارجه.

تاریخ تأیید: ۸۸/۱/۲۳

تاریخ دریافت: ۸۶/۱۲/۲۴

پرتال جامع علوم انسانی

طرح مسأله

جامعه معرفتی در غرب، دانش‌مدار یا دانایی‌محور^۱ است که به‌یژه پس از تشکیل دو اجلاس جامعه اطلاعاتی در ژنو (دسامبر ۲۰۰۳) و تونس (نوامبر ۲۰۰۵) مورد اهتمام ویژه قرار گرفته است. این مفهوم که از فراگیری و جامعیت بیشتری در مقایسه با جامعه اطلاعاتی^۲ برخوردار است و در عرصه بین‌المللی امروز در محافل علمی و آکادمیک مطرح می‌باشد، بر اصولی از قبیل آزادی بیان، دسترسی جهانی به دانش و اطلاعات، احترام به تنوع زبانی و فرهنگی و آموزش کیفی برای همه استوار است. جامعه دانایی‌محور درصدد است همراه با سوق دادن جامعه اطلاعاتی به سوی مردم‌محوری، یادگیری و توسعه‌محوری و تضمین دسترسی و بلکه مشارکت عموم مردم در روند اطلاعات و دانش، به تحکیم الگوهای یادگیری، بیان‌های متنوع فرهنگی، توانمندسازی و مشارکت اهتمام ورزد، فرصت‌هایی را برای توسعه اقتصادی و اجتماعی و نیز فقرزدایی فراهم آورد، صلح را بر مبنای امنیت انسانی و جمعی تحکیم بخشد و دانش را محور و محرک دگرگونی اجتماعی قرار دهد. چنین جامعه‌ای خواستار ارتقای توانمندی‌های بشری برای شناسایی، تولید، پردازش، تحول، ترویج و بهره‌گیری از اطلاعات است تا از رهگذر تکثیرآوری، دربر گیرندگی، یکپارچگی و مشارکت، دانش را مبنایی برای توسعه بشری قرار دهد. مفهوم توسعه انسان‌محور که بر توانمندسازی و تبادل و سهیم نمودن در دانش علمی از طریق یکپارچگی، انسجام بین‌المللی و درک متقابل استوار است، راه را برای انسانی کردن فرآیند جهانی شدن هموار می‌سازد و فرهنگ ابتکار و خلاقیت را از طریق به‌کارگیری دانش ارتقا می‌بخشد و تلاش دارد شکاف علمی - دیجیتالی و تبعیض علمی را به حداقل برساند.

۱. Knowledge Society.

۲. Information Society.

به‌رغم آنکه این مفهوم، نوین به‌شمار می‌آید، با اندک تأمل درباره ریشه‌های تاریخی آن در آموزه‌های دینی، به‌ویژه دین خاتم، می‌بینیم که در چهارده قرن گذشته از چنین جامعه‌ای سخن به‌میان آمده است. لذا جامعه معرفتی مطلوب در دیدگاه اسلام، دارای بنیادهای وحیانی است؛ به‌ویژه آنکه بحث معرفت و دانش در اسلام با عنایت به سابقه ترجمه متون اسلامی در عصر نوزایی و روشنگری در اروپا، بحثی متقدم به‌شمار می‌آید. لذا شایسته است پس از تبیین مفهوم، اصول و مبانی، اهداف، شاخص‌ها، فواید و پیامدهای جامعه معرفتی به‌طور عام، دیدگاه اسلام و اندیشه دینی در این زمینه مورد مذاقه قرار گیرد تا ضمن بازشناسی مبانی شناخت و معرفت در اندیشه اسلامی و پردازش رویکرد دینی به جوامع دانایی‌محور، ابعاد اشتراک و افتراق میان این دو نظام فکری که یکی از مشرب اومانستی الهام گرفته است و دیگری ریشه در دیدگاه الهی و وحیانی دارد و بین سعادت مادی و معنوی بشر تعادل و توازن را برقرار می‌سازد، واکاوی و تحلیل شود. در واقع، رویکرد اندیشه دینی به جامعه معرفتی، بر مفهوم‌سازی و اندیشه‌ورزی برای تبدیل دانایی به سعادت‌مندی دنیوی و اخروی در جامعه تمدن‌ساز استوار است که نشانگر رهیافت محتوامحور و جهت‌مدار اسلام در مقایسه با رویکرد ابزارانگار و سرگشته غرب است. این مطالعه تطبیقی به بررسی دو نگرش به جامعه معرفتی بر پایه دو گفتمان دینی و سکولار می‌پردازد و تلاش می‌کند نقاط تمایز و اشتراک را استخراج کند.

۱. چیستی جامعه معرفتی

در این گفتار تلاش می‌شود تا اهمیت و ضرورت، اصول و مبانی، اهداف، شاخص‌ها، فواید و پیامدهای جامعه معرفتی در مفهوم مدرن آن تبیین گردد.

۱-۱. اهمیت و ضرورت جامعه معرفتی

فن‌آوری‌های نوین اطلاعاتی و ارتباطی، شرایط جدیدی را برای ظهور جوامع

معرفتی فراهم آورده‌اند. جامعه اطلاعاتی جهانی در صورتی به هدف خود نائل می‌آید که به منبع توسعه برای همگان تبدیل شود. با توجه به اینکه انقلاب اطلاعاتی، دو چالش عمده یعنی شکاف دیجیتالی و دست‌کاری اطلاعاتی را در پی داشته است، جامعه معرفتی درصدد است با تلاش برای برقراری پلی بین دسترسی عادلانه همگان به فن‌آوری اطلاعات و تحکیم حقوق شهروندان جهانی برای آزادی بیان و مشارکت در فرآیند اطلاعات و ارتباطات، به‌عنوان منبع توسعه پایدار و الهام‌بخش توانمندسازی بشریت، موجبات همبستگی جهانی را فراهم آورد. از این‌رو می‌توان جامعه معرفتی را مکمل جامعه اطلاعاتی دانست. جامعه معرفتی به پیچیدگی و پویایی تغییرات در معرض وقوع توجه دارد و معتقد است نه تنها معرفت، موجبات رشد و توسعه اقتصادی را فراهم می‌آورد، به خودمختاری و توسعه جوامع نیز کمک می‌کند. تحکیم توسعه انسانی می‌تواند به گستره‌هایی چون همکاری فکری، آموزش پایدار، ارزش‌های اخلاقی و حقوق اساسی بشر تسری یابد و جوامعی برابر، همراه با کیفی کردن آموزش آحاد شهروندان جامعه جهانی را به ارمغان آورد.

جوامع معرفتی با تأکید بر برابری فرهنگ‌ها و نفی تسلط فرهنگی بر یکسان‌سازی فرهنگی، معتقدند تکرپذیری فرهنگی زمینه پیشرفت جوامع را فراهم می‌آورد و امکان گفتگوی فرهنگی و درک متقابل را تسهیل می‌نماید. جوامع معرفتی بر مدیریت دانش از طریق خلاقیت و ابتکار و تلقی آن به‌عنوان سرمایه علمی و معرفتی بشریت تأکید می‌کنند و به شبکه‌ای کردن دانش جهت تبدیل فضای مجازی^۱ به فرهنگ مجازی^۲ توجه می‌کنند. این جوامع ضمن توجه به دگرگونی‌های اجتماعی و پیچیدگی و پویایی تغییرات در درون جوامع و توجه به

۱. Cyberspace.

۲. Cyberculture.

نقش فن‌آوری اطلاعات در دو بعد ابزاری و محتوایی برای دستیابی به توسعه انسانی، بر ضرورت نیل به توسعه پایدار تأکید می‌کنند. این امر مستلزم توجه به خلاقیت در کشف و تولید دانش به‌عنوان «کالای مشترک»^۱ و توجه به سرمایه بشری^۲ به‌ویژه سرمایه علمی و معرفتی و فرهنگی است که در زمره اموال عمومی^۳ به‌شمار می‌آید و زمینه را برای همبستگی و تعامل جوامع با یکدیگر از رهگذر همکاری‌ها و تعاملات فزاینده و نیز فراگیری متقابل آنها نسبت به یکدیگر فراهم می‌آورد که منجر به تحقق «امنیت جمعی»^۴ و در نتیجه «امنیت انسانی»^۵ می‌شود.

۱-۲. اصول و مبانی جامعه معرفتی

جامعه معرفتی، خواهان احترام به تنوع فرهنگی و زبانی و نیز چندفرهنگی و تنوع هویتی است تا از رهگذر تکثیرپذیری بتواند کلیه ابعاد دانش - از محلی و بومی و سنتی تا مدرن و پیشرفته - را دربر بگیرد. این جامعه بنیان خود را از حقوق بشر می‌گیرد؛ به‌گونه‌ای که حق آموزش و فراگیری به‌عنوان حقوق اولیه انسان‌ها مورد اهتمام قرار می‌گیرد و بر این اساس است که بر لزوم آموزش کیفی برای همگان و دسترسی همه مردم به اطلاعات به‌عنوان ابزار و روش آموزش و فراگیری تأکید می‌گردد.

مشارکت عموم مردم در این فرآیند موجب می‌شود شاهد نوعی تحول از

۱. Common Good.

۲. Human Capital.

۳. Public Property.

۴. Collective Security.

۵. Human Security.

دسترسی^۱ به اطلاعات به‌سوی مشارکت^۲ باشیم که این مهم از راه شبکه‌ای کردن اطلاعات به‌جای اتکای صرف به خاطره‌ها و حافظه جوامع و انسان‌ها امکان‌پذیر است. بدین ترتیب، با فراگیر کردن دانش و معرفت در جامعه، امکان تحقق دموکراسی مشارکتی با حضور کلیه بازیگران اعم از دولت، جامعه مدنی و بخش خصوصی فراهم می‌آید که منجر به توسعه همه‌جانبه و تحقق حکمرانی مناسب^۳ برای علوم و فن‌آوری می‌شود.

بدین ترتیب، جوامع معرفتی بر سه پایه ارزش‌دهی بهتر به اشکال موجود دانش برای کاهش شکاف علمی، رویکرد مشارکتی بیشتر برای شفافیت اطلاع‌رسانی و دستیابی همگانی به دانش و نهایتاً همگرایی بهتر سیاست‌های علمی و معرفتی استوار است. (Unesco, ۲۰۰۵: ۱۸۸)

در قلب جوامع معرفتی، توان شناسایی، تولید، پردازش، توزیع و استفاده از اطلاعات به‌منظور ایجاد و به‌کارگیری شناخت‌های ضروری برای توسعه انسانی به‌گونه‌ای پوشیده است که از رهگذر خودمختار شدن جامعه معرفتی، امکان تحقق تنوع، تکثر، همگرایی، یکپارچگی و مشارکت فراهم می‌آید. (Unesco, ۲۰۰۴: ۷۴)

درواقع اصول کلیدی جامعه معرفتی بر آموزش کیفی برای همگان، احترام به تنوع فرهنگی و دسترسی جهانی به اطلاعات و دانش و آزادی بیان استوار است تا از این رهگذر، جامعه اطلاعاتی مردم‌مدار، فراگیر و توسعه‌محور ظهور یابد.

در جامعه معرفتی باید اطلاعات را با حفظ کره خاکی مرتبط دانست؛ چراکه آموزش در طول زندگی برای تحقق توسعه پایدار با محوریت فرهنگ و آموزش،

۱. Access.

۲. Participation.

۳. Good Governance.

منجر به افزایش دانش انسان برای حفظ محیط پیرامون خود می‌شود. لذا آموزش کیفی به‌ویژه آموزش برای توسعه پایدار و اهمیت‌بخشی به مشارکت حکومت‌ها، بخش خصوصی، جامعه مدنی و سازمان‌های چندجانبه در جوامع معرفتی، نیازمند سرمایه‌گذاری در تمامی مراحل تحقیق و توسعه، ارتقای آگاهی جامعه بشری به مشکلات زیست‌محیطی، افزایش کارایی و کارآمدی و ارتقای خلاقیت‌ها و اولویت‌های جمعی و سرانجام توسعه فرهنگ علمی در جامعه عمومی است؛ به‌گونه‌ای که رویکردی تمام‌نگر^۱ به‌ویژه در زمینه دانش تخصصی بر این جوامع حکمفرما شود و همگان در فرآیند تصمیم‌سازی و تاثیرگذاری بر فرآیندها از طریق دانشگاه‌ها و نهادهای تحقیقاتی، مشارکت کنند. (Primo, ۲۰۰۳: ۳۴-۴۰)

اصول و پارامترهای آزادی بیان، دسترسی همگانی به اطلاعات و معرفت، احترام به شرافت بشری و تنوع فرهنگی و زبانی، دسترسی همگان به آموزش کیفی، سرمایه‌گذاری در علوم و فن‌آوری و درک و هم‌گرایی نظام‌های معرفتی بومی برای تحقق جوامع معرفتی ضروری است. جوامع معرفتی برای اینکه منعکس‌کننده هنجارهای حرفه‌ای و اخلاقی برتر باشند، باید مبانی حقوق بشر، احترام به زندگی خصوصی، شرافت و کرامت بشری و همبستگی میان مردم در عرصه داخلی و فراملی را نهادینه کنند و تعهد جوامع را به‌نفع اصول مردم‌سالاری، شفافیت، مسؤولیت و حکمرانی شایسته تقویت کنند؛ البته این مهم، مستلزم شناسایی ابعاد وابستگی متقابل حکومت‌ها و بخش خصوصی و نیز جامعه مدنی به یکدیگر، نفی فقر و حاشیه‌نشینی، ارتقای مشارکت همگان در فرآیند تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری و رفع نابرابری‌های فزاینده در زمینه توسعه زیرساخت‌ها و دسترسی و استفاده برابر

۱. Holistic.

از فن‌آوری‌های ارتباطی است. (Unesco, ۲۰۰۴: ۷۲-۷۳)

۱-۳. اهداف جامعه معرفتی

مهم‌ترین هدف جامعه معرفتی را می‌توان ارتقای توانمندی‌های ذهنی و فکری از طریق آموزش عمومی و کیفی به‌منظور تفکر خلاق و مؤثر دانست. این تفکر مؤثر در سه مرحله تفکر منطقی - اعم از کاربردی، استخراجی و تحلیلی - تفکر عقلانی و تفکر تصویری شکل می‌گیرد.

هدف دیگر جامعه معرفتی، برقراری ارتباطات فعال از رهگذر توسعه زیرساخت‌ها و استفاده از فن‌آوری ارتباطات است. در این رهگذر، آموزش و فراگیری و توسعه مهارت‌ها از محوریت برخوردار است؛ زیرا علاوه بر روش‌شناسی باید به محتوا و فهم گفتمان در فضای مجازی اهتمام گردد. در واقع فن‌آوری صرفاً یک ابزار است که نیازمند همراهی با محتوا در فضای مجازی است؛ چراکه انتقال‌دهنده پیام، خود پیام نیست. لذا آگاهی‌بخشی علاوه بر خلاقیت روشی از اهمیت برخوردار است. این رویکرد منجر به تحرک اجتماعی می‌شود؛ چون تمامی بازیگران اعم از دولت‌ها، جوامع مدنی و سازمان‌های مردم‌نهاد (NGO) را در زندگی اجتماعی و در فضای مجازی مشارکت می‌بخشد. (Primo, Ibid: ۳۸-۴۶) در چنین جامعه‌ای، یک ابزار قانونی نیاز است که به شناسایی و حفاظت از دانش‌های تولیدشده، توسعه‌یافته و افزایش‌یافته در جوامع مردمی می‌پردازد. از این رهگذر، باید به تمامی ابعاد سیاست‌های اطلاعاتی و ارتباطی، شامل زیرساختی (زیرساخت‌های ارتباطی و اطلاعاتی) عمودی (سیاست‌های مرتبط با نیازهای بخش‌های آموزش، بهداشت و صنعت) و افقی (سیاست‌های تأثیرگذار بر دلوپسی‌های اجتماعی، شامل آزادی اطلاعات، تعرفه‌ها، قیمت‌ها و امنیت) توجه شود. (Ibid: ۵۲-۵۴)

هدف سوم جامعه معرفتی، پیوند بین آموزش و پژوهش است. این امر مهم بر

جهانی کردن آموزش به‌ویژه آموزش الکترونیک، توده‌ای کردن آموزش از طریق فراگیرسازی آموزش برای همه و آموزش در طول زندگی، استانداردسازی آموزش و کیفی کردن آموزش به‌منظور دادن قدرت تمیز اطلاعات مفید از غیر مفید استوار است. توجه هم‌زمان به دانش بومی و دانش مدرن نیز عنصر تشکیل‌دهنده جوامع معرفتی به‌شمار می‌آید. تمامی تلاش‌ها باید صورت بپذیرد تا شناسایی، درک، دیجیتالی کردن و هم‌گرا نمودن نظام‌های معرفتی بومی انجام شود و به آنها اجازه داده شود تا به‌صورت جهانی قابل دسترسی باشند و به توسعه جوامع معرفتی کمک کنند. (۷۷: ۲۰۰۴، Unesco) از آنجا که روش‌های قدیمی انتقال معرفت و دانش نیازمند روزآمدسازی هستند، ابتکاراتی از جمله آموزش باز، آموزش از راه دور، آموزش با نقشه، آموزش منعطف، آموزش از طریق ابزارهای الکترونیک و وسائل مدرن کمک‌آموزشی مورد بهره‌برداری قرار می‌گیرد تا امکان جمع‌آوری و تحلیل داده‌های علمی پیچیده افزایش یابد. (Ibid: ۲۱، ۲۲) بدین ترتیب، امتزاج آموزش سنتی و مدرن، منجر به تحقق جوامع معرفتی برابر و متعادل می‌شود؛ به‌گونه‌ای که هم‌زمان با آشنایی جوامع با فن‌آوری‌های نوین ارتباطی و اطلاعاتی، اعتماد به نفس شهروندان در بهره‌گیری از آنها در زندگی خصوصی و محیط حرفه‌ای افزایش می‌یابد. این رویکرد، زمینه پیوند بین آموزش و پژوهش و تجزیه و تحلیل داده‌ها از طریق به‌کارگیری شبکه‌های اطلاع‌رسانی را فراهم می‌سازد و با مشارکت و گفتگوی خلاق پژوهشگران و آموزگاران و سیاست‌گذاران و اعضای جامعه مدنی، فرآیند قرار گرفتن تحقیقات علمی در خدمت سیاست‌گذاری عمومی میسر می‌گردد.

هدف چهارم جوامع معرفتی، توسعه انسان‌محور است؛ به‌گونه‌ای که علاوه بر احترام به شرافت و کرامت بشری، سرمایه‌ای کردن دانش، دسترسی همگان به علوم و اطلاعات، ارتقای ظرفیت‌ها و توانمندسازی بشر، در جهت انسانی کردن فرآیند

جهانی شدن اقدام می‌شود؛ چراکه علم، کالای انسانی^۱ قلمداد می‌شود. مشارکت مردم در اطلاعات، هم‌زمان با آموزش و ارتقای همکاری آنان با یکدیگر برای تبادل اطلاعات مستلزم تعهد شرافتمندانه به‌نفع حقوق بشر و آزادی‌های اساسی و نیز آزادی بیان است. لذا تضمین حمایت کامل از حقوق آموزش و دیگر حقوق فرهنگی، شرطی ضروری برای جریان آزاد و دسترسی برابر همگان به اطلاعات و دانش در جامعه دانایی‌محور است که این مهم باید منجر به احترام به چندفرهنگی‌گرایی، تعادل پویا بین فرهنگ‌های بومی و جهانی و امنیت انسانی به‌عنوان مبنای جوامع دانش‌مدار گردد. جوامع معرفتی به‌منظور دستیابی به توسعه انسان‌محور، بر آزادی بیان، جریان آزاد اطلاعات، امکان شکوفایی خلاقیت‌های بشری از طریق آموزش، احترام به باورها و اخلاقیات، تشویق به گشایش و گفتگو، قدردانی از تدبیر، عقلانیت، ارتباطات و همکاری و سالم‌سازی محیط فعالیت افراد حرفه‌ای در رسانه‌ها از طریق دفاع از آزادی رسانه‌ها تأکید می‌کنند.

۱-۴. شاخص‌های جامعه معرفتی

شاخص‌های جامعه معرفتی را می‌توان در سه جنبه کیفی، کمی و روشی مورد توجه قرار داد. منظور از شاخص‌های کیفی در یک جامعه دانش‌مدار، ملاک‌های رشد عرضی جامعه اطلاعاتی از قبیل بالا رفتن سطح علمی از طریق سرمایه‌گذاری در علوم و فن‌آوری، دقیق شدن امکانات و ابزارهای آموزشی در راستای توانمندی علمی فزاینده، تخصصی‌تر شدن علوم آموزشی، توسعه مدیریت دانش و مهارت‌های شناختی به‌منظور جلوگیری از فرار مغزهاست. نظام‌های معرفتی ضمن هم‌پاری در پیشرفت دانش موجود و کشف دانش‌های نوین، زمینه تولید سرمایه علمی و

۱. Human Capital.

معرفتی برای توسعه پایدار و امکان تبادل و تعامل و فراگیری جوامع از یکدیگر را فراهم می‌آورند. جامعه معرفتی بر پایه علم و با هدف تاثیرگذاری بر کارآیی سیاست از رهگذر دسترسی تصمیم‌گیران به دانش بنا نهاده شده است تا مشکلات را از طریق خلاقیت و ارتقای ظرفیت‌های بشریت حل و فصل نمایند.

منظور از شاخص‌های کمی در یک جامعه دانش‌محور، ملاک‌های رشد طولی جامعه اطلاعاتی از قبیل گسترش گروه‌های سنتی تحت آموزش، گسترش حجم تولید اطلاعات از رهگذر الکترونیکی کردن داده‌ها و گسترش و تنوع در ابزارها و علوم مورد آموزش از راه شبکه‌ای کردن آموزش فراگیران است. فن‌آوری‌های اطلاعاتی و ارتباطی، ابزاری آموزشی در خدمت نظام‌های آموزشی مؤثر و منطبق با نیازها به‌شمار می‌آیند. گسترش کمی ابزارهای اطلاعاتی می‌تواند زمینه کاهش شکاف علمی بین جوامع را فراهم آورد. وارد کردن اندیشمندان ملی و بین‌المللی در شبکه‌های اطلاعاتی و ارتباطی و اعطای دانش علمی و اطلاعات مؤثر به تصمیم‌گیران برای ایفای بهتر نقش خود در حکمرانی مناسب، امکان توزیع بهینه دانش و کاهش شکاف علمی در جوامع معرفتی را فراهم می‌سازد و به‌مدد گسترش و توسعه زیرساخت‌های شبکه‌های ارتباطی و بهبود ابزارهای پردازش اطلاعات و آموزش، پایه‌های دستیابی به توسعه پایدار تحقق می‌یابد. ارتقای ارتباطات بین‌المللی از طریق شبکه‌های الکترونیکی بین دانشگاه‌ها و نهادهای تحقیقاتی و بهینه‌سازی ابزارهای فن‌آوری اطلاعات و ارتباطات می‌تواند در اثر شکل‌گیری حکومت الکترونیک، خدمات یادگیری الکترونیکی و خدمات بهداشتی الکترونیک همراه با خلاقیت‌های فکری و مهارتی بروز و ظهور یابد.

منظور از شاخص‌های روشی در جامعه معرفتی، پیوند دانش عملیاتی و کاربردی با دانش محض و نظری است؛ به‌گونه‌ای که هم‌تکمیلی در بعد نظری و کاربردی علوم

می‌تواند منجر به شکوفایی مطالعات بین‌رشته‌ای^۱ شود. افزون بر این، مطالعات چندبعدی^۲ از طریق بررسی‌های تطبیقی و مقایسه‌ای و نیز ابتکارات مبتنی بر رهیافت چندسطحی و بین‌بخشی^۳ یا به عبارت دیگر، روش‌های متقاطع در زمره شاخص‌های روشی قرار می‌گیرند. تحلیل‌های متقاطع، بین‌رشته‌ای، چندرشته‌ای، تطبیقی و مقایسه‌ای می‌تواند منجر به سیاست‌های ابداعی و ابتکاری در سایه بهره‌گیری از نتایج تحقیق، ترویج دانش، کاربرد علوم و تنوع یادگیری گردد. اهمیت بین‌بخشی‌گرایی^۴ به گونه‌ای است که مشارکت کلیه اقسام جامعه را برای تحقق آموزش کیفی و توسعه پایدار میسر می‌سازد. این رویکرد، منجر به تحقق جوامع مبتنی بر درک متقابل و گفتگو می‌شود و راه را برای رسیدن به جوامع ترجمه‌مدار^۵ هموار می‌سازد و زمینه را برای تنوع صداها، تکثر ایده‌ها و مبادله میان فرهنگی فراهم می‌آورد. (Primo, Ibid: ۵۸-۶۰)

۱-۵. فوائد و پیامدهای جامعه معرفتی

جامعه معرفتی که منجر به ارتقای توانمندی‌های چندرشته‌ای جوامع می‌شود، موجبات دسترسی همگان به دانش و اطلاعات، افزایش یادگیری الکترونیکی و دسترسی عمومی به علوم الکترونیک، اهتمام به تنوع و هویت فرهنگی، ارتقای نقش و جایگاه رسانه، عنایت به تنوع زبانی و محتوای محلی و توجه به ابعاد اخلاقی جامعه اطلاعاتی را فراهم می‌آورد.

افزون بر این، جامعه معرفتی به برقراری آشتی بین نظام‌های معرفتی بومی و سنتی با نظام‌های معرفتی مدرن می‌پردازد؛ به گونه‌ای که درک متقابل و هم‌گرایی

۱. Interdisciplinary Studies .

۲. Multidimensional.

۳. Cross-Cutting approach.

۴. Intersectorality.

۵. Translation Societies.

سیاست‌های علمی و معرفتی جوامع سنتی، بومی و مدرن را تسهیل می‌کند و بدین ترتیب، تحقیقات عمومی را در خدمت سیاست‌گذاری عمومی قرار می‌دهد. جامعه معرفتی منجر به تحقق جوامع فراگیر و دربردارنده آموزش برای همه و در طول زندگی و به صورت کیفی و الکترونیکی در عین اهتمام به تنوع فرهنگی و زبانی جامعه می‌شود. چنین جامعه دانایی‌محور در اثر تنوع و ظرفیت‌های متنوع تغذیه می‌شود و دربرگیرنده ابعاد اجتماعی، قومی، سیاسی و فنی است. از این رو نیروهای سنتی و مدرن همگی در فرآیند تقویت دانش در جامعه معرفتی مشارکت دارند؛ به گونه‌ای که دانش محلی و بومی با دانش شبکه‌ای در هم آمیخته می‌شود و سرمایه‌گذاری در آموزش کیفی و توسعه پایدار در فضایی تکثیرپذیر، جامه عمل می‌پوشد.

از دیگر پیامدهای جوامع معرفتی، احترام به ارزش‌های مادی و معنوی است. توجه به ارزش‌های اخلاقی، فکری و ذهنی و کاربرد آن در علم، دانش و فن‌آوری، تقویت توانمندی‌های اخلاقی دانشمندان و اهتمام به حقوق مالکیت معنوی نخبگان فکری و در عین حال، عنایت به ارزش‌های زیبایی‌شناختی برای انتقال معانی و پیام‌ها در زمره اولویت‌های جوامع دانایی‌محور به‌شمار می‌آید.

به‌علاوه، جوامع معرفتی درصددند نوعی اجماع جهانی در عرصه اخلاقی برای تأمین سعادت جوامع را تحقق بخشند؛ چراکه پیامد عمده جوامع معرفتی، دسترسی به پایداری و سعادت است. از این رهگذر، علم و دانش نقش عمده‌ای را برای ارتقای توسعه پایدار، سعادت جوامع و تضمین نسل‌های آینده ایفا می‌کنند. احترام به زندگی خصوصی، نفی تبعیض و معیارهای دوگانه و اهتمام به اصول برابری و عدالت و ارتقای پتانسیل علمی و فنی جوامع، زمینه‌های سعادت آنها را در جوامع دانش‌مدار فراهم می‌آورد.

در نهایت، جوامع معرفتی با اهتمام به توسعه پایدار اجتماعی و اقتصادی و مدیریت دگرگونی‌های اجتماعی، به فقرزدایی و رفع حاشیه‌نشینی و کاهش شکاف

علمی و دیجیتالی می‌اندیشند. از آنجا که تحقیقات و دانایی علمی، کالای عمومی به‌شمار می‌آیند، باید داده‌ها و اطلاعات علمی، عادلانه در اختیار همگان قرار گیرد تا شکاف دیجیتالی بین جوامع به حداقل برسد. لذا تقویت زیرساخت‌های تکنولوژیک و ارتقای محیط اجتماعی - اقتصادی در جامعه معرفتی، زمینه را برای تحقق توسعه پایدار فراهم می‌آورد. نیازسنجی دقیق برای تعیین اولویت‌ها و رفع کمبودها در ساختار جامعه دانش‌محور، گامی اساسی در راه توسعه اطلاعاتی و معرفتی جوامع در دو بعد طولی و عرضی به‌شمار می‌آید و زمینه دسترسی همگانی به دانش و معرفت را ایجاد می‌کند.

۲. اسلام و جامعه معرفتی

اسلام بر ساختن جامعه مبتنی بر دانش به‌منظور توسعه انسانی و کرامت بشری تأکید می‌ورزد. از نظر اسلام، تولید و ترویج علم برای ارتقای خلاقیت‌های بشری امری ضروری محسوب می‌شود. اتخاذ یک دیدگاه معقول و جامع‌نگر با پیوند بین علم، ایمان، عمل و عقل، موجبات سازندگی تمدن اسلامی را فراهم می‌آورد. از این‌رو شایسته است اهمیت و علم‌آموزی در جامعه معرفتی و نیز اصول، مبانی اهداف، شاخص‌ها و پیامدهای جامعه دانش‌محور را با الهام از تعالیم اسلامی بررسی کنیم:

۲-۱. اهمیت دانش در جامعه معرفتی از دیدگاه اسلام

از دیدگاه قرآن، نقاط عطف تاریخ بشریت بر موضوع علم و دانش متمرکز بوده است که از آن جمله می‌توان به زمان خلقت آدم اشاره کرد که خداوند متعال، وی را مأمور تعلم اسمای الاهی کرد: «وَعَلَّمَ آدَمَ الْأَسْمَاءَ كُلَّهَا» (بقره/ ۳۱)

نمونه دوم در زمان بعثت پیامبر اکرم(ص) در غار حرا و آن زمان است که به آن حضرت وحی شد «بخوان» و بدین ترتیب، بعثت با علم‌آموزی همراه بود. از نظر قرآن، علم‌آموزی از اهمیتی ویژه برخوردار است. شکوفایی علم و دانش در دوران

اسلام بیش از سایر ادوار چشم‌گیر بوده و علم و تعلیم و تعلّم، نقش بسزایی در پیدایش و رشد سریع فرهنگ و تمدن اسلامی داشته است. پیامبر اکرم(ص) پس از ورود به مدینه، به جامعه‌سازی بر پایه معارف دینی پرداخت و آن را بر اساس عقل و علم و مقابله با جهل و نادانی بنیان نهاد. (Sharif, ۲۰۰۶)

معجزه پیامبر اسلام(ص) کتاب است و در اولین آیات آن بر قرائت برای تحصیل علم و معرفت تأکید و می‌کند:

«اقْرَأْ بِاسْمِ رَبِّكَ الَّذِي خَلَقَ» (علق/۱) در قرآن بیش از هشتصدبار واژه علم و مشتقات آن به کار رفته است؛ ضمن آنکه صدها مرتبه از واژه‌های عقل، فکر و معرفت و مشتقات آنها استفاده شده است. جایگاه دانش و دانشمند در اسلام بلند مرتبه است:

«قُلْ هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ إِنَّمَا يَتَذَكَّرُ أُولُو الْأَلْبَابِ.» (زمر/۹)
 «يَرْفَعُ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَالَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ دَرَجَاتٍ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ.»
 (مجادله/۱۱)

پیامبر اسلام (ص) می‌فرماید: «العلماء ورثة الانبياء» در اسلام دانش‌آموزی، دانشجویی و دانش‌پژوهی واجب است: «طلب العلم فریضه علی کل مسلم و مسلمة.» (مجلسی، ۱۴۲۱: ۱۷۷/۷۷) و حد و مرزی هم ندارد: «وَقُلْ رَبِّ زِدْنِي عِلْمًا.» (طه/۱۱۴) چراکه به فرموده پیامبر اسلام(ص): «العلم رأس الخیر کله و الجهل رأس الشر کله.» (همان: ۱۷۵) و سعادت دنیا و آخرت در گرو علم‌آموزی است: «من اراد الدنيا فعليه بالعلم و من اراد الآخرة فعليه بالعلم، و من ارادهما معا فعليه بالعلم.» (شریف‌القرشی: ۱۳۳۹: ۱۸۸)

در روایتی از پیامبر اسلام (ص) نقل شده است که فرمود:

پیشگاه علم از انبیاست
 برتال جامع علوم انسانی

اذا اتى على يوم لا ازداد فيه علما يقربنى الى الله تعالى فلا بورك لى فى طلوع الشمس ذلك اليوم؛ اگر روزی بر من برسد و علمی که مرا به مقام قرب حق برساند، به من اضافه نشود، در آن روز دمیدن نور خورشید بر من مبارک نیست. (محمدی ری شهری، ۱۳۸۱: ۶ / ۴۴۹)

همچنین ایشان بر تعلیم و تعلم تأکید می‌کند و می‌فرماید خداوند جاهل را در روز قیامت معذور نمی‌دارد:

قلب ليس فيه شيء من الحكمة كبيت خرب، فتعلموا و علّموا و تفقهوا و لاتموتوا جهالا فان الله لا يعذر على الجهل؛ قلبی که چیزی از حکمت در آن نیست، مانند خانه‌ای خراب است؛ پس یاد بگیرید و یاد بدهید و بفهمید و جاهل از دنیا نروید، همانا خداوند در قیامت، جاهل را معذور نمی‌داند. (همان: ۶ / ۴۴۹)

اسلام تا آنجا پیش می‌رود که بین علم و تعلیم که بر آموزش استوار است، تلازم قائل می‌شود و رسول گرامی اسلام می‌فرماید: «انما العلم بالتعليم؛ دانش با تلاش برای آموختن تحقق می‌یابد.»

بر پایه چنین آموزه‌ای است که مسلمانان در کنار بهره‌گیری از معارف دینی و تدبیر در ژرفای بی‌انتهای آن، به سمت آشنایی و بهره‌گیری از دستاوردهای علمی سایر ملت‌ها و فرهنگ‌ها حرکت کردند و با ترجمه متون از زبان‌های مختلف، شبکه‌ای جامع از اطلاعات را در زمان خود شکل دادند که این خود نیز از آموزه‌های اسلام است. قرآن می‌فرماید: «فَبَشِّرْ عِبَادِ الَّذِينَ يَسْتَمِعُونَ الْقَوْلَ فَيَتَّبِعُونَ أَحْسَنَهُ.» (زمر/ ۱۸) رسول

اعظم(ص) فرمود: «اطلبوا العلم ولو بالصين.» (مجلسی، همان: ۱ / ۱۸۰)

باب علم نبی، حضرت علی(ع) می‌فرماید: «العلم ضاله المؤمن فخذوه ولو من

ایدی المشرکین.» (ابن عمیر القرطبی، ۱۴۱۵: ۱۲۲)

بدین ترتیب، دانش در اسلام امری ضروری قلمداد می‌شود؛ چراکه اساس تمدن اسلامی بر پایه علم و دانش بنا نهاده شده است؛ به گونه‌ای که در عصر نوزایی و روشنگری در اروپا، متون اسلامی زیادی از عربی به لاتین ترجمه شد و تمدن اسلامی به‌عنوان مهد علم و دانش، پایه‌های جامعه معرفتی را بنیان‌گذاری کرد که غرب از آن بهره گرفت.

وقتی مسلمانان به دین خود تمسک جستند، تمدن عظیم را بنیان نهادند و به بشریت در حوزه‌های مختلف علمی خدمت فراوان کردند که دانشمندان منصف غربی نیز آن را نقل و تأیید می‌کنند. شکوفایی اروپا در عصر رنسانس بدون ترجمه آثار مسلمانان در دوران حضور آنها در اسپانیا و نقاط دیگر امکان‌پذیر نبود. به گفته سیدحسین نصر:

تحقق علم جدید، به نحوی که در خلال رنسانس و به‌ویژه قرن هفدهم میلادی (یازدهم هجری) صورت گرفت، بدون ترجمه‌هایی که در قرون پیش عمدتاً در اسپانیا و گاهی در سیسیل و سایر بخش‌های ایتالیا از زبان عربی به لاتین انجام شده بود، ممکن نبود. (۱۳۸۲: ۲۶۵)

رمز توفیق مسلمانان در تمدن‌سازی و پیشرفت آن بود که اسلام از آغاز، علم را مشروط به ایمان می‌کند تا علمی متعهد و به‌سوی کانون هستی و کمال مطلق باشد و انسان را گرفتار طغیان نکند.

نکته دیگر در باب علم و دانش اینکه جهل‌زدایی، نقطه عزیمت جامعه معرفتی قلمداد می‌شود؛ به گونه‌ای که استناد حرکت فرهنگی و تمدنی اسلام بر پایه عقل و علم در تقابل با جهل و نادانی است. حضرت علی (ع) می‌فرماید: «الجهل اصل کل شر.»

(آمدی، ۱۳۷۸: ح ۱۰۱۶)

روایات بسیاری جهل را مرگ معنوی، زیان‌بارتر از لقمه مضر در بدن برای زندگی، بیماری و رنج، کشنده و لغزش‌آور، به بارآورنده بدبختی ابدی، فاسدکننده معاد، ریشه فساد در تمام امور، معدن شر، دشمن خطرناک انسان، علت کفر و ضلالت، مانع قبول موعظه و نصیحت و موجب افراط و تفریط بیان می‌کنند. (نهج‌البلاغه، ح ۷۰ و ۴۳۸؛ محمدی ری‌شهری، همان: ۱۵۴/۴)

در جامعه معرفتی اسلام، عقل - که در مقابل جهل قرار دارد - سنگ بناست و عقل به پیامبر درونی یاد شده است: «العقل شرع من داخل و الشرع عقل من خارج». (طریحی نجفی، ۱۴۱۴: ۵/۴۳۵) عقل (برای بشر) دین داخلی است؛ چنانکه دین (برای او) عقل خارجی است و هر آنچه عقل به آن حکم می‌کند، شرع نیز به آن حکم می‌کند و برعکس. از رسول خدا(ص) نقل شده است که «تکیه‌گاه بشر عقل اوست و آن کس که عقل ندارد، دین ندارد.» و «هیچ فقری شدیدتر از جهل، هیچ سرمایه‌ای پرفایده‌تر از عقل،... و هیچ عقلی مثل تدبیر نیست.» (ابن‌بابویه قمی، ۱۴۲۱: ۳۷۵) و صفات جاهل این است که:

اگر با او معاشرت کنی، تو را به رنج و زحمت اندازد؛ اگر از او کناره‌گیری نمایی، تو را سرزنش می‌کند؛ اگر چیزی به تو ببخشد، منت می‌نهد؛ اگر به او ببخشی، ناسپاسی می‌کند و اگر اسرار را نزد او بگذاری، خیانت می‌ورزد. (ابن‌شعبه حرانی، ۱۴۱۲: ۲۸)

بدین ترتیب، با توجه به اهتمام اسلام به عقل و رفع جهل و جایگاه تاریخی علم و معرفت در دین اسلام، علم به‌عنوان بنیاد و نهاد جامعه معرفتی قلمداد می‌شود. تعلق یادگیری علم با اوصافی چون فریضه، ارتقای درجه، وراثت انبیا، سعادت‌بخشی در دنیا و آخرت و پرهیز از افتادن در ورطه طغیان و سرکشی و سرانجام نابودی، حاکی از نقش آن در تنظیم حیات بشری و حفاظت از انسان‌هاست؛ البته در

صورتی که با ایمان همراه باشد؛ چراکه بشریت از رهگذر دانش، فرا می‌گیرد که چگونه زندگی کند و چگونه اراده خداوندی را بر زندگی خود در حوزه‌های فردی و اجتماعی حاکم گرداند. این ایمان است که چراغ راه هدایت را فراروی او قرار می‌دهد و او را نسبت به تعهدات و وظایف فردی خود آگاه می‌کند.

۲-۲. اصول و مبانی جوامع معرفتی در اسلام

به‌طور کلی، جوامع معرفتی در اسلام بر سه محور عقل، دانش و اخلاق استوارند؛ زیرا از نظر اسلام، جستجوی حقیقت و تعالی فردی از طریق اهتمام به سه پایه فوق امکان‌پذیر است. در آموزه‌های اسلامی، علاوه بر اینکه عقل، بنیاد ایمان و در مقابل جهل به‌شمار می‌آید، دانش به‌دست‌آمده از مشاهده،^۱ تجربه^۲ و تعمیم^۳ در صورتی مقبول است که مسبوق به تعمق و تدبیر^۴ باشد. از این‌رو آنچه در قرآن با عنوان «تدبیر» آمده است، به‌معنای کاربرد عقل و خرد برای درک و فهم ماهیت و ژرفای موضوعات عالم خلقت است.

افزون بر این، عقل و ایمان با یکدیگر پیوندی ناگسستنی دارند و دارای پیامدهای زیر هستند:

یک. حاکمیت یقین بر ظن و گمان؛

دو. حاکمیت حقیقت بر هوا و هوس؛

سه. حاکمیت برهان و استدلال بر تقلید کورکورانه و قضاوت‌های پیشینی و

کلیشه‌ای؛

چهار. حاکمیت هدایت و روشنگری بر ضلالت، تفرعن و دیکتاتوری سرکوبگر؛ تعقل

و تدبیر از نظر اسلام، مظهر روشنگری، حقیقت‌جویی و هدایت‌یابی و نافی ضلالت است.

-
۱. Observation.
 ۲. Experimentation.
 ۳. Generalization.
 ۴. Reflection.

خداوند متعال در قرآن کریم، مردم را فراروی دو گزینه هدایت و ضلالت قرار می‌دهد تا با سنجش پیامدهای هر کدام، تشخیص خود را انجام دهند و به سودمندی علم و حقیقت و خردورزی و ارزش ذاتی آنها پی ببرند. بر اساس تعالیم قرآنی، افراد ظالم خواهان تحمیل منافع خودخواهانه خویش و منقادسازی دیگران نسبت به اوامر استخفاف‌آمیز خود هستند.

بنیاد دیگر جوامع معرفتی دانش است که دو بعد دانش متافیزیک و تجربی را دربر می‌گیرد. هدف دانش متافیزیک حقیقت‌یابی است که علمی ضروری قلمداد می‌شود. اسلام در عین آنکه به جنبه متافیزیکی دانش برای دستیابی به حقیقت اهتمام دارد، به دانش تجربی برای کشف هستی فیزیکی و واقعیت‌یابی نیز عنایت خاص دارد؛ لیکن برای شناخت عالم ماده، معتقد به لزوم برخورداری از چارچوبی فلسفی و مفهومی است که از رهگذر آن بتوان به داده‌های ناشی از درک حس معنا بخشید و در عین حال به درک خویشتن از واقعیت‌ها و علوم، انسجام و سازواری بخشید.

درواقع علاوه بر آنکه علوم متافیزیک باید فرا گرفته شود، برای بهبود و حسن کارکرد جامعه اسلامی، دستیابی به علوم جدید از قبیل علوم پایه و تجربی و صنایع و فن‌آوری‌های پیشرفته لازم است و حتی یادگیری آن واجب کفایی است. فراگیری دانش تجربی و فن‌آوری پیشرفته به‌عنوان جزء جدایی‌ناپذیر معرفت‌شناسی اسلام است: «وَلَا تَسْ نَصِيبِكَ مِنَ الدُّنْيَا.» (قصص / ۷۷) (۱: ۲۰۰۶, Sharif)

بنیاد سوم جامعه معرفتی اخلاق است. پیامبر اکرم (ص) که با «أَقْرَأُ» مبعوث شده‌اند، فرموده‌اند «انما بعثت لاتمم مكارم الاخلاق.» بدین‌گونه دانش و اخلاق در فلسفه بعثت، دو امر متلازم با یکدیگر بوده‌اند. در اهمیت اخلاق در اسلام همین بس که عدیل اعتقادات و عبادات دانسته شده و اساس علم‌آموزی محسوب گردیده است؛ به‌گونه‌ای که اگر علم با تهذیب همراه نباشد، به فساد می‌انجامد و برای انسان

مضر می‌گردد. از این‌رو در روایات بر «العلم النافع» تأکید گردیده است؛ چراکه دانش با اتکا به اخلاقیات، هدفمند و هدف‌محور می‌گردد و در مسیر سعادت و تعالی بشری رهنمون می‌شود.

۲-۳. اهداف جامعه معرفتی از دیدگاه اسلام

جامعه معرفتی به تنوع و تکثر احترام می‌گذارد؛ ولی در عین حال تحقق هدفی واحد را در نظر دارد. نخستین هدف آن از دیدگاه اسلام «وحدت در عین کثرت» است؛ به‌گونه‌ای که در عین تکثرباوری فرهنگی و حفظ اختلافات طبیعی در دیدگاه‌ها، در جهت انسجام‌بخشی عملی و همبستگی آگاهانه اجزای اجتماع، از طریق تفاهم و گفتگو گام برداشته شود. جامعه معرفتی به‌سوی تعامل مثبت جوامع برای بهره‌گیری از دستاوردهای علمی و فرهنگی یکدیگر و نفی منازعات گروهی در سطوح ملی و بین‌المللی حرکت می‌کند.

از آنجا که جامعه مبتنی بر دانایی و آگاهی جامعه‌ای است که میزان همبستگی اجزای آن بیشتر است و در مسیر انسجام و وحدت اجتماعی حرکت می‌کند، اسلام به‌عنوان دین توحید که بر پایه «از اویی» و «به‌سوی اویی» استوار است، بر تحقق چنین جامعه‌ای تأکید دارد. در چنین جامعه‌ای شاهد وحدت در کثرت هستیم و اعتصام جمعی به حیل الهی و پرهیز از عوامل تفرقه، محور حرکت اجتماعی است؛ چراکه همین جدایی‌هاست که آتش فتنه و نزاع را روشن می‌کند. در جامعه دانایی‌محور، اساس بر تفاهم و گفتگو با حفظ اختلافات در روش‌هاست. در بستر آرامش و همدلی و هم‌اندیشی است که سعادت نوع بشر تأمین می‌شود و زمینه تکامل و توسعه فراهم می‌گردد.

دومین هدف جامعه معرفتی، توسعه انسان‌محور در عین تلاش برای نیل به تعالی و تکامل معنوی است. اگر توسعه را فرآیندی افقی بدانیم که هدف آن سعادت مادی و معنوی و آرامش و همدلی در سطح جامعه است، تعالی فرآیندی عمودی

خواهد بود که خواهان توسعه انسانی و تلاش برای نیل به کمال مطلوب معنوی و دسترسی به علم نافع مبتنی بر پیوند علم و ایمان و علم جهت‌دار است. تأکید اسلام بر کرامت و شرافت انسانی در پرتو تعالیم وحیانی و آموزه‌های دینی و هدف قرار دادن دستیابی به عدالت بین‌المللی و ترویج اخلاق علمی بیانگر آن است که جامعه معرفتی باید بر اساس آگاهی و آزاداندیشی انسان و انسانیت تلاش نماید تا انسان را به کمال مطلوب (قرب الاهی) برساند. در این مسیر، بازگشت به خویشتن و فطرت پاک الاهی، از ضرورت‌های وصول به توسعه انسان‌محور در مسیر رشد فردی و اجتماعی به‌شمار می‌آید. جامعه معرفتی اسلام بر پایه خودشناسی انسان استوار است تا با شناخت دقیق از ظرفیت‌های وجودی خود در مسیر کمال حرکت کند و فراموش نکند که در درون انسان، دنیایی بزرگ نهفته است؛ آن‌گونه که در شعر منسوب به حضرت علی(ع) آمده است:

اتزعم انک جرم صغیر وفیک انطوی العالم الاکبر
و مولوی آن را این‌گونه بیان می‌کند:
پس به صورت عالم اصغر تویی پس به معنی عالم اکبر تویی
(۱۳۷۱: د ۴ / ب ۵۲۱)

یا در جایی دیگر می‌گوید:

بحر علمی در نمی‌پنهان شده در سه‌گرتن، عالمی پنهان شده
(همان: د ۵ / ب ۵۷۹)

هدف سوم جامعه معرفتی اسلام، آگاهی‌بخشی و جهل‌زدایی است. امروزه باید ریشه مشکلات بشری را در جهل، اعم از نوع سنتی و مدرن آن جستجو کرد. در عصر کنونی اطلاعات و ارتباطات، جهل عمومی به شکل تناقض‌نمایی در بسیاری از جوامع، به‌ویژه جوامع توسعه‌یافته مشاهده می‌شود که صاحبان زر و زور از آن برای گسترش سلطه و استبداد خود بر مقدرات افراد و ملت‌ها بهره می‌جویند. پیچیدگی این نوع جهل، یکی از علائم استعمار فرانو است و همین وجه تناقض‌نمای آن است

که به جهل مرکب دامن می‌زند؛ به‌گونه‌ای که فرد و جامعه نمی‌دانند که نمی‌دانند. آنان به‌رغم تلاش و تکاپو، در مرداب جهل بیشتر فرو می‌روند تا آنجا که به مرگ معنوی دچار می‌شوند، به انسان‌های فاقد مسؤولیت و شناخت تبدیل می‌شوند و با از دست دادن تعادل فکری و روحی، گرفتار افراط و تفریط می‌شوند. از آنجا که گرفتار جهل هستند، دشمن نادانسته‌ها می‌شوند: «الناس اعداء ما جهلوا» (نهج‌البلاغه/ ح ۴۳۸)

از این‌رو هدف جامعه معرفتی اسلام، آگاهی‌بخشی توأم با مسؤولیت و شناخت، جهل‌زدایی و حقیقت‌یابی و به‌طور کلی، نفی جهل سنتی و مدرن در دوران کنونی به‌منظور فائق آمدن بر جاهلیت کهنه، نو و پسانو است؛ به‌گونه‌ای که از نظر اسلام، فرد و جامعه جاهل، عوامل اصلی بحران‌ها و منازعات گروهی و جمعی در سطوح ملی و بین‌المللی قلمداد می‌شوند و یا زمینه مناسبی را برای طراحان طرح‌های شوم جنگ و خونریزی فراهم می‌کنند. جاهلیت در طول زمان به‌رغم تغییر شکل و صورت، ماهیت خود را حفظ کرده است؛ لذا جریان آگاهی‌بخشی ادیان الهی مانند اسلام، مقابله با کلیه انواع و ابعاد جاهلیت را در دستور کار خود دارد.

چهارمین هدف جامعه معرفتی، تحقق جامعه‌ای نمونه است: «وَكذلكَ جَعَلْنَاكُمْ أُمَّةً وَسَطًا لَتَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ وَيَكُونَ الرَّسُولُ عَلَيْكُمْ شَهِيدًا.» (بقره/ ۱۴۳)

همین جامعه الگو و نمونه که هدف آن دستیابی به همبستگی و دانایی‌محوری بر پایه معارف دینی و عدالت و کرامت انسانی است، به تحقق توسعه‌ای پایدار و جامع می‌انجامد. از این‌رو جامعه‌سازی موردنظر اسلام بر پایه دانش، شناخت، بستری مناسب برای جنبش نرم‌افزاری و تولید علم آماده می‌کند که منجر به ارتقای اقتدار تمدن اسلامی می‌گردد.

اساس جامعه معرفتی اسلام بر «شناخت» استوار است که آن هم بر خودشناسی، دگرشناسی، جهان‌شناسی و خداشناسی مبتنی است. خودشناسی همان شناخت ارزش‌های درونی خود، بازگشت به خویشتن خویش و رجوع به فطرت پاک الهی است که اساس توسعه انسان‌محور را تشکیل می‌دهد. تأکید روایات بر اهمیت شناخت خویشتن که مقدمه شناخت پروردگار قلمداد می‌شود (من عرف نفسه فقد عرف ربه) نشانگر محوریت خودشناسی در جامعه معرفتی اسلام است. از دل خودشناسی، شناخت جامعه و انسان‌های دیگر یا «سیر من الخلق الی الحق» هموار می‌گردد و فرد به چنان شناختی از جهان خلقت رهنمون می‌شود که با زبان شهودی ندا در می‌دهد: «رَبَّنَا مَا خَلَقْتَ هَذَا بَاطِلًا». (آل عمران / ۱۹۱) و بدین ترتیب، حداقل با برهان نظم - اگر از اشراق موجود در برهان صدیقین بهره‌مند نباشد - به وجود خالق هستی بخش پی می‌برد.

چهار پایه شناخت در قرآن را می‌توان «یسمعون»، «یبصرون»، «یعقلون» و «یفقهون» دانست که اساس تحول ذهنی و فکری یک انسان را تشکیل می‌دهند. گوش فرا دادن با توجه یا قدرت دریافت‌کنندگی مطالب معقول (یسمعون) و مشاهده توأم با تعمق، آگاهی و کنجکاوی یا توان عینیت‌گرایی (یبصرون) نوعی شناخت تجربی به‌شمار می‌آیند که بر اساس آموزه‌های دینی، با شنیدن به گوش جان و بصیرت درونی نیز همراه هستند. تعقل و استدلال برای واقعیت‌یابی و واقعیت‌شناسی (یعقلون) اساس تفکر برهانی و استدلالی مبتنی بر کاربرد خرد برای شناخت احسن را در شناخت اسلامی تشکیل می‌دهد. «فَبَشِّرْ عِبَادَ الَّذِينَ يَسْتَمِعُونَ الْقَوْلَ فَيَتَّبِعُونَ أَحْسَنَهُ» (زمر / ۱۸) حقیقت‌شناسی ناشی از تأمل، تعمق، تحقیق، تفکر و تدبیر (یفقهون) که از دل معرفت قلبی و ادراکی، نورانیت و

بصیرت باطنی و معنوی برمی‌خیزد، با اشراق و تفضل الاهی در حقیقت‌یابی نیز همراه است و نوری است که «یقفه الله فی قلب من یشاء.»

البته اسلام برای رسیدن به چهار اصل شناخت در جوامع معرفتی، نه تنها بهره‌گیری از ابزارهای نوین را نفی نمی‌کند، استفاده از آنها را برای مهندسی جامعه معرفتی مستحسن می‌داند. از این رو شایسته است به سرمایه‌گذاری برای ارتقای کیفی بنیادهای شناخت و برنامه‌ریزی برای طراحی و نظام‌مندی داده‌های اطلاعاتی به‌منظور تجهیز شناخت به ابزارهای نوین ارتباطی در جوامع دانایی‌محور اهتمام شود.

۲-۵. فوائد و پیامدهای جامعه معرفتی اسلام

مهم‌ترین پیامد جامعه معرفتی اسلام، تحقق جامعه‌ای سعادت‌مند است. اگر جامعه اطلاعاتی، مقدمه‌ای ضروری برای دسترسی به جامعه دانایی‌محور و آن هم مقدمه‌ای برای دسترسی به جامعه مقتدر است، از نظر اسلام جامعه دانش‌مدار باید به تبدیل اقتدار به سعادت‌مندی بشر توجه داشته باشد. این مهم در پرتو اهتمام به شرافت انسان و کرامت بشری و دستیابی همگان به علم نافع و سودمند، بدون هیچ‌گونه تبعیض و بی‌عدالتی است. در اینجا است که شعار عادلانه «دانش برای همه»^۱ و جهانی شدن دانش بر اساس انسانی کردن روند جهانی شدن، موجبات پیشرفت و تعالی جامعه بشری را فراهم می‌آورد. چنین جامعه مبتنی بر دانش و تولید علم، زمینه‌ساز نوزایی فرهنگی و احیای تمدن اسلامی و در نتیجه روشنگری جهانی برای کاهش نابرابری‌ها و بی‌عدالتی‌ها و رفع فساد و تبعیض در عرصه بین‌المللی به‌شمار می‌آید. در چنین جامعه‌ای تولید علم ثمربخش، امری مربوط به تمامی انسان‌هاست که سعادت دنیوی و اخروی آنان را تامین و تضمین می‌کند؛

۱. Knowledge For All.

به نحوی که علم و دین در کنار هم و دوشادوش یکدیگر در خدمت سعادت دنیوی و اخروی انسان قرار می‌گیرند.

اساس جامعه معرفتی سعادت‌محور در اسلام را مفهوم‌سازی، اندیشه‌ورزی و معنابخشی بر اساس دانش ایمانی تشکیل می‌دهند. بدین معنا که برای نوزایی علمی و فرهنگی باید به تولید معنا و مفاهیم جدید و عمیق مبتنی بر ژرفای اندیشه اسلامی مبادرت ورزید تا بتوان در پیام‌رسانی بلیغ و مؤثر به جهانیان و روشننگری جهانی توفیق یافت. در چنین جامعه‌ای، ابزار و فن‌آوری در برابر معنا و محتوای محوری رنگ می‌بازد؛ چراکه جامعه معرفتی اسلام به ارائه اندیشه‌هایی می‌پردازد که قلوب مردم را تسخیر کند، در جان مخاطب بنشیند و با نیازهای فطری وی متناسب باشد. اسلام با تولید مفاهیم و پیام‌های ارزشمند برای جهانیان و با تکیه بر قدرت نرم‌افزاری مفهوم‌سازی و پیام‌دهی، از نقش سازنده‌ای برای تولید اندیشه‌ها و اعتقادات برخوردار است؛ زیرا مرزهای جغرافیایی را درمی‌نوردد و فارغ از جنس، نژاد، زبان و رنگ، امکان دسترسی همگانی به آگاهی و دانش کیفی و سودمند را فراهم می‌آورد. بدین ترتیب، معرفت اصلی‌ترین منبع سعادت‌محوری و قابل‌اعتمادترین مؤلفه قدرت نرم‌افزاری در تمدن اسلامی به‌شمار می‌آید.

پیامد دوم جامعه معرفتی اسلام که از دل جامعه سعادت‌مند برمی‌خیزد، تمدن‌سازی است؛ بدین معنا که تمدن اسلامی بر پایه تولید علم و دانش به‌گونه‌ای احیا شود که در تمامی حوزه‌های علمی به بشریت کمک کند تا از این رهگذر به ظرفیت‌سازی و ارتقای خلاقیت‌های بشری برای تعالی مادی و معنوی بشر بر پایه علم‌الاهی مبادرت ورزد. این مهم در پرتو سرمایه‌گذاری در آموزش کیفی، ایجاد قطب‌های علمی و دانشگاهی، پیوند و همبستگی حکومت و مردم، انسجام و همبستگی اجتماعی و عدالت‌گرایی بین‌المللی فراهم می‌آید؛ به‌گونه‌ای که عدالت علاوه بر آنکه بین احاد جامعه اسلامی و انسانی تحقق می‌یابد، در قواعد و

هنجارهای بین‌المللی نیز نهادینه می‌شود و در آن صورت عدالت در خدمت انسانیت قرار می‌گیرد. در صدر اسلام نیز حرکت علمی جامعه نوپای اسلامی و به‌تعبیر امروزین، جنبش نرم‌افزاری به‌عنوان تکلیف دینی و الهی شکل گرفت؛ به‌گونه‌ای که علم و دین چونان دو روی یک سکه در جهش فرهنگی و تمدنی، گام‌های مؤثر و عملی برداشتند. در اثر این تحول شگرف علمی، تمدن اسلامی که از عربستان طلوع کرد، توانست بر نیمی از حوزه مدیترانه تسلط یابد و دین اسلام را در آنجا بسط دهد. این واقعیت از نظر ویل دورانت از عجیب‌ترین حوادث اجتماعی قرون وسطا محسوب می‌گردد. (۱۳۶۷: ۴/۱۹۷)

۳. سنجش جامعه معرفتی غرب و اسلام

در این گفتار تلاش می‌شود وجوه اشتراک و افتراق جامعه معرفتی غرب و اسلام مورد بازشناسی قرار گیرد تا ضمن تبیین مشترکات دیدگاهی، جنبه‌های تمایز و افتراق نیز شناسایی شود.

۳-۱. وجوه اشتراک جامعه معرفتی غرب و اسلام

آنچه در باب وجوه اشتراک این دو جامعه بیان می‌شود، از جنبه نظری است؛ چراکه برخی از بنیادهای تئوریک مطرح‌شده در جامعه غرب عملاً تحقق نیافته است؛ لیکن از سوی اندیشمندان و نظریه‌پردازان جامعه معرفتی مورد تأکید قرار گرفته است که از این لحاظ، وجوه اشتراک در نظام فکری از جنبه نظری به‌شرح زیر استنتاج و استخراج شده است:

- تلقی دانش به‌عنوان سرمایه اجتماعی برای همگان و لزوم فراهم آوردن طرح‌های آگاهی‌بخش برای تسهیل و ارتقای فرصت‌های دسترسی برابر همگان به دانش و علوم و فنون پیشرفته؛
- تأکید بر لزوم برنامه‌ریزی و سرمایه‌گذاری جهت ظرفیت‌سازی علمی و

فرهنگی با اهتمام به تنوع میراث فرهنگی معنوی جوامع و حفظ حافظه جوامع؛

- لزوم احترام و اهتمام به شرافت و کرامت بشری و مسؤولیت‌پذیری انسان؛
- اهمیت اتخاذ رویکرد مطالعات بین‌رشته‌ای، چندرشته‌ای، بینابخشی و ابتکارات چندسطحی در جوامع معرفتی و پیوند و تلفیق خلاق بین معرفت سنتی، دانش بومی و دانش مدرن برای ارتقای فرصت مشارکت فعال تمامی گروه‌های متنوع فرهنگی و زبانی در پایه‌ریزی جوامع معرفتی؛
- تأکید بر نقش تعیین‌کننده یادگیری در توسعه پایدار به‌منظور کاهش فقر و تقلیل شکاف علمی^۱ و دیجیتالی^۲ بین جوامع برخوردار و غیر برخوردار؛
- تلقی دانش، اطلاعات، آگاهی و آموزش کیفی به‌عنوان منابع عمده ثروت، قلب توسعه نرم‌افزاری و ابتکاری، مفهوم مرکزی تغییرات و دگرگونی‌های اجتماعی و سازوکاری برای تحول ذهنی و عینی و تغییر ایستارهای جوامع؛
- تأکید بر گفتگوی میان‌فرهنگی و فراگیری متقابل جوامع از یکدیگر؛
- تأکید بر لزوم رشد علمی، تولید علم، تحقیق و آموزش به‌عنوان شاخص‌های توسعه انسانی؛
- تکرپذیری در فرآیند رشد و شکوفایی جوامع؛
- ارتباط جامعه معرفتی با حفظ کره مسکون.

۳-۲. وجوه افتراق جامعه معرفتی اسلام و غرب

آنچه در پی می‌آید، تمایز دیدگاه‌های اسلام و غرب در خصوص بنیادهای جامعه معرفتی است که در برخی موارد به ذکر مصادیق و نمودهای اندیشه در عرصه عمل به‌ویژه در جامعه غرب اشاره شده است. ذکر این نکته ضروری است که اسلام در

۱. Knowledge divide.

۲. Digital divide.

عرصه علم بر غرب متقدم بوده و اساس دین اسلام بر علم و دانش استوار بوده است؛ درحالی که جهان غرب به‌ویژه در دوران قرون وسطا با تکیه بر جزم‌های فکری ناشی از استنباطات غلط از دین مسیحیت، در تعارض با علم بوده است و اگر به علم توجهی هم نموده‌اند، پس از عصر رنسانس و نوزایی بوده است که در این دوره، نگاه علمی از نگاه دینی مجزا و متمایز گردید. حال آنکه در اسلام، علم از درون دین نشأت می‌گیرد و بر آن مبتنی است. معجزه اسلام، کتاب (نوشته آسمانی) و قلم (ن و القلم) و خواندن (اقرأ) بوده است و این اختلاف را باید یک گام فراتر دید و آن جهان‌بینی اسلامی است که بر پایه علم استوار است؛ به‌گونه‌ای که اسلام، پایه‌ای‌ترین اصول اعتقادی دین را به حوزه دانش و تحقیق می‌سپارد.

نکته دوم آنکه، تعلیم و تعلم در غرب اختیاری است؛ درحالی که علم‌آموزی در اسلام واجب و فریضه دینی به‌شمار می‌آید که علاوه بر اخروی‌گرایی، منافع دنیوی نیز در آن نهفته است. همه افراد بشر مسؤول هستند و باید پاسخ دهند که آیا خود را در معرض علم و آگاهی قرار داده‌اند یا خیر: «إِنَّ السَّمْعَ وَالْبَصَرَ وَالْفُؤَادَ كُلُّ أُولَئِكَ كَانَ عَنْهُ مَسْئُولًا.» (اسراء/ ۳۶) نادانی فرد، حجتی مقبول نزد خداوند به‌شمار نمی‌آید؛ چراکه تکلیف دینی انسان - نه تکلیف وضعی بشری - اقتضای فراگیری دانش را داشته است.

بدین ترتیب می‌توان دریافت که از نظر اسلام، علم و ایمان با یکدیگر تلازم و پیوستگی دارند؛ درحالی که در غرب، علم و ایمان دو حوزه مجزا از یکدیگر قلمداد می‌شوند. از همین‌رو تمدن غرب از علم، بت ساخته است و از تکنولوژی به‌عنوان ابزاری برای سلطه و استعمار و عقب نگاه داشتن ملت‌ها بهره گرفته است حال آنکه اسلام، علم و ایمان را با یکدیگر ملازم می‌داند تا انسان به درجه کمال نائل آید و از افتادن در ورطه طغیان و سرکشی و سرانجام نابودی اجتناب ورزد. جامعه معرفتی موردنظر اسلام که همان جامعه اسلامی نمونه است و اندیشه دینی به‌دنبال تحقق

آن است، جامعه‌ای علمی و ایمانی است که عمودهای خیمه بلند آن، دین و دانش است. بدین ترتیب، جریان تمدن‌سازی اسلامی براساس نظریه «دانش، قدرت است» شکل می‌یابد.

غرب خواهان تحقق جامعه قدرتمند محض است؛ درحالی‌که اسلام خواهان جامعه قدرتمندی است که در خدمت سعادت بشر باشد. از نظر اسلام، کسی که ایمان به خدا داشته باشد و علم‌آموزی را تکلیف الهی بداند، جهت زندگی او در مسیر تعالی مادی و معنوی و سعادت دنیوی و اخروی رقم می‌خورد؛ به‌گونه‌ای که سعادت خود یا کشور یا قاره خود را در نظر نمی‌گیرد؛ بلکه سعادت نوع بشر را در هر زمان و مکان و در هر عصر و مصر خواستار است. بدین ترتیب، جهت‌گیری غرب، تحقق جامعه مقتدری است که در اثر تبدیل اطلاعات به دانایی پدید آمده است؛ درحالی‌که جهت‌گیری اسلام به‌سوی جامعه‌ای سعادت‌مند است که اقتدار، دانایی و اطلاعات را با هدف انسجام و همبستگی اجتماعی و بر اساس آگاهی و خشیت و نفی خشونت، جهت تحقق سعادت بشری پیوند می‌دهد.

با توجه به چنین اختلاف رویکردی است که جامعه معرفتی غرب عملاً به محروم‌سازی ملت‌ها از دانش مبادرت می‌ورزد و با تقسیم آنان به شهروندان درجه یک و دو درصدد استعمار و استثمار منابع ملت‌های محروم برمی‌آید. چنین عملکردی با هدف تسلط فرهنگ واحد یا هژمونی فرهنگی کشورهای پیشرفته به جنگ و خشونت‌طلبی می‌انجامد. هدف جامعه دانایی‌محور غرب، تثبیت برتری علمی و فن‌آوری بر کشورهای در حال توسعه و یکسان‌سازی فرهنگی در عرصه بین‌المللی است. به‌رغم ادعای جامعه غرب مبنی بر تقویت مشارکت عمومی و تسهیل دسترسی آزاد جوامع به علوم و فنون، تمایل کنونی آن مبنی بر یکسان‌سازی فعالیت‌های آموزشی، فرهنگی، علمی و ارتباطی نگران‌کننده است؛ چراکه این خطر را دربر دارد که یکسان‌سازی را در محتوا و شیوه‌های فکری تحمیل کند و به ضرر تنوع جهانی تولید علم بینجامد. (Unesco, ۲۰۰۴: ۱۷) این در حالی

است که در اسلام، هم تلاش نظری و هم کوشش عملی برای دسترسی آزاد کلیه جوامع به دانش و علوم پیشرفته صورت می‌گیرد.

جامعه دانایی‌محور اسلام در عین احترام به تکثر فرهنگی، خواهان انسجام فکری و اشتراک جهتی است؛ چراکه هدف از جامعه معرفتی را عبادت، خدمت، سعادت مادی و معنوی، پیشرفت دنیوی و عاقبت اخروی می‌داند. بدین ترتیب، دانش خدامحور از دیدگاه اسلام - که برای اخلاق در علم، اهمیت ویژه‌ای قائل است و نافع بودن علم برای فرد و جامعه را در نظر دارد. - در جهتی مغایر با دانش انسان‌محور غرب قرار دارد. دانش خدامحور به تعالی انسان از جنبه عمودی اهتمام دارد؛ در حالی که دانش انسان‌محور غرب بر توسعه از جنبه افقی تأکید دارد و به کمال انسانی رهنمون نمی‌شود.

نکته دیگر آنکه، دانش در اسلام در خدمت فرد، قشر یا جریان خاصی قرار ندارد؛ بر خلاف کشورهای غربی که امروزه پیشگام در عرصه دانش هستند؛ اما ورود به حوزه علم، مخصوص طبقه خاصی است. طبقاتی کردن علم در چنین جوامعی قبل از عصر روشنگری نیز وجود داشت؛ حال آنکه اسلام بر لزوم نفع‌رسانی عمومی به کل جامعه و به تمامی اقشار اجتماعی و گروه‌های سنی تأکید می‌کند.

تمایز دیگر آنکه، دانش از نظر اسلام، علاوه بر آنکه امنیت بیرونی را در پی دارد، به امنیت درونی انسان نیز می‌انجامد و علم بر پایه ایمان، نوعی امنیت و آرامش را برای فرد فراهم می‌سازد. از این رو ریشه ایمان و امنیت از «أمن» برگرفته شده است. در جامعه معرفتی، علم و ایمان دو روی یک سکه هستند و دو بال پیشرفت و تکامل بشری و امنیت انسانی قلمداد می‌شوند. این امنیت نه تنها در حوزه بیرونی که در عرصه درونی نیز تحقق می‌یابد. در پرتو اعتماد به نفس، عدم تزلزل خاطر و عدم ترس از غیر خداست که نوعی آرامش و امنیت درونی در فرد به وجود می‌آید و این امنیت درونی با خشیت پیوند خورده است؛ خشیتی که تنها برای عالمان حاصل می‌شود: «إِنَّمَا يَخْشَى اللَّهَ مِنْ عِبَادِهِ الْعُلَمَاءُ» (فاطر/ ۲۸) و ترس از سرِ درک است که به امنیت درونی فرد منجر می‌شود، نه خوف و ترس ناشی از دلهره.

نتیجه

علم، معرفت و عقل در جوامع معرفتی اسلامی و غربی مورد اهتمام دو نظام فکری اسلام و غرب قرار دارد و دانش در اسلام در مقایسه با غرب متقدم بوده است. تمدن مبتنی بر علم الهی و جهت‌دار با تمدن سکولار و الحادی از نظر نوع رویکرد به علوم متفاوتند. تمدن غربی انحصارگرا و خودگراست؛ درحالی‌که تمدن اسلامی خواهان امکان دسترسی همگان به علوم و دانش برای تحقق سعادت‌مندی بشر است. این در حالی است که تمدن غرب به‌رغم ادعای علم‌باوری، نوعی جهالت و جاهلیت مدرن را که بر اساس کلیشه‌های ذهنی و پیش‌داوری‌ها عمل می‌کند، در عصر اطلاعات پی می‌گیرد. عمل جامعه غرب نشان داده است که با توجه به جهت‌گیری آن بر اساس قدرت بشری، بر خلاف اندیشه آزاد عمل می‌کند. جامعه معرفتی غرب قطبی شده، طبقاتی شده، منقسم به شهروند درجه یک و دو، گرفتار خشونت و تقسیم‌کننده جهان به مرکز و پیرامون و دارا و ندار است؛ حال آنکه جامعه معرفتی موردنظر اسلام که بر جهل‌زدایی و پیوند علم و ایمان استوار است، با توجه به هدف تحقق بخشی به جامعه سعادت‌مند دنیوی و دستیابی به عاقبت مطلوب اخروی، نوعی توازن بین دو بعد مادی و معنوی انسان برقرار ساخته است. چنین جامعه‌ای، انسان عارف و مؤمن را وادار می‌کند تا صرفاً به خود و جامعه خویش توجه ننماید؛ بلکه سعادت نوع بشر را مورد اهتمام قرار دهد و با ساختن جامعه الگو یا امت وسط: «وَكَذَلِكَ جَعَلْنَاكُمْ أُمَّةً وَسَطًا لِتَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ.» (بقره/ ۱۴۳) زمینه تحقق جامعه معرفتی فراگیر بشر را فراهم سازد که همگان در آن امکان دسترسی آزاد به دانش و رفاه، پیشرفت و اخلاق و تامین ابعاد مادی و معنوی حیات مطلوب اجتماعی را داشته باشند.

منابع و مأخذ

۱. قرآن کریم.
۲. نهج البلاغه

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

۳. آمدی، عبدالواحد، ۱۳۸۱، *غررالحکم و دررالحکم*، بی جا.
۴. ابن بابویه قمی، محمد بن محمد، ۱۴۲۱، *التوحید*.
۵. ابن شعبه حرانی، ابو محمد حسن بن علی، ۱۴۱۲، *تحف العقول عن آل الرسول*، قم، جماعه المدرسين بقم المشرفه.
۶. ابن عمیر القرطبی، یوسف عبدالبر، بی تا، *جامع البیان للعلم و فضله*، بیروت، مؤسسه الكتاب الثقافیه.
۷. حر عاملی، محمد بن حسن، ۱۴۱۴، *وسائل الشیعه*، قم، مؤسسه آل البیت (ع) احیاء التراث.
۸. دورانت، ۱۳۶۷، *ویلیام جیمز*، تهران، سازمان انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی.
۹. شریف القرشی، باقر، ۱۳۳۱، *النظام التربوی فی الاسلام*، بیروت، دارالتعارف للمطبوعات.
۱۰. طریحی نجفی، فخرالدین بن محمد، ۱۴۱۴، *مجمع البحرین*، قم، بعثت.
۱۱. نصر، سید حسین، ۱۳۸۲، *جوان مسلمان و دنیای متجدد*، ترجمه مرتضی اسعدی، تهران، طرح نو.
۱۲. مجلسی، محمدباقر، ۱۴۲۱، *بحار الانوار*، تهران، به کمک جواد العلوی و محمد الاخوندی.
۱۳. محمدی ری شهری، محمد، ۱۳۸۱، *میزان الحکمه*، قم، مؤسسه دارالحدیث.
۱۴. مطهری، مرتضی، ۱۳۸۲، *ده گفتار*، قم، صدرا.
۱۵. مکی عاملی، زین الدین بن علی، ۱۴۱۶، *منیه المرید فی آداب المفید و المستفید*، قم، مکتب الاعلام الاسلامی.
۱۶. مولوی، جلال الدین محمد، ۱۳۷۱، *مثنوی معنوی*، تهران، مرکز نشر دانشگاهی.
۱۷. Unesco, ۲۰۰۴, *la science dans la societd information*.

۱۸. Executive of unesco. *Thematic debate Item*, ۱, ۱۷۷ex/ine.۶
۱۹. Primo, natash, ۲۰۰۳, *gender Issues in the information society*, unescor.
۲۰. Fergany, nadir, *islamand science: steps towards reform*
۲۱. Sharif, surtheel, ۲۰۰۶, *holistic knowldges religious imperative*, the JAWZIYYAH institute.
۲۲. Kamali, mohammad hashim, ۲۰۰۵, *rationality and scienee*.
۲۳. Jawad sulaiman, saked, ۲۰۰۷, *knowlese society: Amiddel East Gateway fornnon – profit organizations*.
۲۴. Unesco, ۲۰۰۵, *towards knowledye societies*. Unesco publication.

